

■ شیوه‌نامه تشکیل و فعالیت انجمن‌های صنفی هنری به تصویب وزارت کار رسید و بزودی هنرمندان رشته‌های گوناگون به‌عنوان شاغل‌دارین وزارتخانه شناخته خواهند شد. امنیت شغلی هنرمندان و تعریف فعالیت هنری به‌عنوان شغل، مطالبه‌ای است که سال‌هاست از سوی هنرمندان گوناگون بویژه خانه‌های تئاتر، سینما و موسیقی پیگیری شده است و حال بعد از تصویب شیوه‌نامه تشکیل انجمن‌های صنفی در وزارت کار، تازه‌ترین مرحله اجرایی این مطالبه انجام شد.

■ ارکستر سازهای ملی در ادامه اجراهای خانگی خود، با تقدیر از کادر درمان کشور و با هدف همدلی و همبستگی همه انسان‌ها برای عبور از بحران کرونا، قطعه «لالایی» اثر واصیف آدی گوزلف با تنظیم علی اکبر قربانی را با هم‌راهی نوازنده مشهور آذربایجان، رامیز قلی‌اف منتشر کرد.

■ چاپ تازه دو کتاب نمایشنامه «سرباز شکلاتی» نوشته جرج برنارد شاو با مقدمه‌ای از جلال آل احمد و همچنین «رمز موفق زینسن» نوشته دلیل کارنگی از



سوی شش‌روزنه و به ترجمه سیمین دانشور در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

■ مهدی اخوان لنگرودی، نویسنده و شاعر به‌دلیل عارضه مغزی در بیمارستانی در اتریش بازندگی وداع گفت.

■ «لوکا زایا» فرماندار منطقه ونیز اعلام کرد، جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۰ به‌عنوان قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی جهان در ماه سپتامبر طبق برنامه‌ریزی برگزار خواهد شد تا اولین جشنواره مهم سینمایی باشد که اخیراً به‌دلیل شیوع ویروس کرونا لغو یا به‌توقیف نبوده‌است.

■ غلامعلی حدادعادل در پیامی درگذشت جوهره بیگ نثری، نویسنده تاجیک و مدیر اداره میراث خطی فرهنگستان علوم ملی تاجیکستان را تسلیت گفت.

■ امیر دژاکام از آماده‌سازی تازه‌ترین نمایش خود خبر داد و گفت قرار است که این نمایش در فضاهای گوناگونی همچون جینل، کویر، کنار دریا،... اجرا شود. ■ فیلم «تیغ و ترمه» ساخته کیومرث پوراحمد هم به‌خاطر تعطیلی سینماها به‌صورت آنلاین در نماوا و فیلمیو اکران آنلاین می‌شود.

■ قادر آشناء، مدیر اداره کل هنرهای نمایشی با بیان اینکه بی‌صبرانه منتظر تصمیمات وزارت بهداشت درباره تئاتر هستیم، گفت احتمال دارد در صورتی که جشنواره‌های تئاتری برگزار نشوند، بتوان بودجه آن را برای حمایت از فعالیت‌های نمایشی اختصاص داد.

■ قطعه موسیقایی «فصل عاشقی»، حاصل همخوانی و همسرایی حسام‌الدین سراج، فاضل جمشیدی، مجید مظفری، علیرضا بهرامی، محسن غلامی و گروهی از نوازندگان، به‌پرستاران و پزشکانی تقدیم شد که در دوران مواجهه با ویروس کرونا، با ایثار و از جان گذشتگی، از مردم و وطن خویش دفاع می‌کنند.

■ صادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی به مناسبت برگزاری مجازی اختتامیه دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی، یادداشتی در اختیار رسانه‌ها قرار داد و از سربازان این جشنواره در روزهای سخت سال ۹۸ سخن گفت.

■ دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر که در اسفند سال گذشته (۱۳۹۸) قرار بود با مراسم اختتامیه و اعلام برگزیدگان به کار خود پایان دهد، به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، به‌توقیف افتاد و بنا به ادامه شرایط روابط عمومی جشنواره اسامی برگزیدگان را اعلام کرد.

■ با کاهش محدودیت‌های قرنطینه در کشورهای مختلف و با آغاز فعالیت مجدد موزه‌ها در آسیا، موزه‌ها و مراکز فرهنگی اروپا و آمریکا نیز برنامه‌هایی برای بازگشایی مجدد اعلام کردند؛ البته این به‌عایت پروتکل‌های بهداشتی است.

■ تک‌آهنگ «شروع ناگهان» با صدای علیرضا پورایانی و آهنگسازای علیرضا افکاری منتشر شد. این اثر تیتراژ پایانی فصل دوم سریال «هم‌گناه» ساخته مصطفی کیایی است.



صدیقه کیانفر با دلتنگی برای بازیگری درگذشت

صبح روز دوشنبه پنجم خردادماه با خبر درگذشت صدیقه کیانفر آغاز شد. بازیگر پیشکسوت تئاتر، رادیو و تلویزیون در ۸۸سالگی در منزل شخصی‌اش به‌علت ایست قلبی درگذشت و تصاویر مرور کارنامه کاری او فصل مشترک فضای مجازی و رسانه‌های خبری شد. بازیگری که برای مخاطبان تلویزیون مادر بزرگ غمگین قصه‌ها بود و برای علاقه‌مندان جدی سینما یادآور ننه حجت فیلم «هامون»، نقشی اگر چه کوتاه اما به بلندی خاطرات سینما دوستان ازشاهاکار داریوش مهرجویی در تاریخ سینما. صدیقه کیانفر در روزهایی برای همیشه از سینما و تئاتر و تلویزیون خداحافظی کرد که سخت دلتنگ بازیگری بود. او که همین اواخر با بازپخش سریال «میوه‌منوعه» جای خالی‌اش را در تلویزیون

یادآورمان ساخت چندی پیش در کلیپ تصویری با بغض و دلتنگی از دوری‌اش از فعالیت‌های هنری گلایه کرده بود. کیانفر در این ویدئو که از روز گذشته در فضای مجازی بازنشر می‌شود با صدای گرفته و اندوهی پر حسرت می‌گوید: «آه! نمی‌توانم خوشحال باشم. بیماری من از بیکاری است. روزگاری از پنج عصر تا ۴ صبح روز بعد سر کار بودم و هیچ وقت اعتراضی نکردم. تا توان داشتم کار کردم. الان هم توان کار دارم اما به من کار نمی‌دهند.» آهنگ صدای به‌گریه نشسته او که تلنگری بر خاطرات ماست و پرشش‌اش خطاب به فیلمسازان با این عبارات در گوش‌ها زنگ می‌خورد: «یادتان باشد پیر شدن دلیل بر از بین رفتن توانایی نیست، من هنوز می‌توانم کار کنم، هنوز ذهنم آماده کار است، هنوز می‌توانم دیالوگ‌ها را

مدیران تماشاخانه‌های خصوصی تئاتر از تلخ پیش‌رو می‌گویند

در آستانه ورشکستگی هستیم

محسن بوالحسینی خبرنگار

بیش از سه‌ماه از اولین اطلاعیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر تعطیلی تمامی برنامه‌های فرهنگی، هنری و سینمایی سراسر کشور می‌گذرد. تعطیلی که از همان روزهای اول گمان می‌رفت به این زودی‌ها پایش را از مکان‌های فرهنگی هنری بیرون نگذارد و تعطیلی‌های یک‌هفته‌ای حالا به چند ماه رسیده و همچنان در آستانه خردانه‌های تکلیف‌زایم بازگشایی این مکان‌ها نامشخص است. در این میان، تماشاخانه‌های خصوصی با توجه به ظرفیت‌های موجود و قطع کامل درآمدهایشان و از طرفی تلنبار تعهدات مالی و عدم دریافت پارانه و کمک‌های مالی دولتی و... وضعی نگران‌کننده‌تر از دیگر مکان‌های فرهنگی که به طریقی حمایت می‌شوند دارند. این تماشاخانه‌های خصوصی‌اویل دهه ۹۰، با توجه به ظرفیت بالا و میزان نیاز مخاطبان به تئاتر و از یاد گروه‌های نمایشی و هنرمندان متقاضی برای اجرای صحنه‌ای کار خود را آغاز کردند و می‌توان این اتفاق را یکی از اقدامات مهم و زیربنایی دولت حسن روحانی دانست که بار بزرگی از دوش جامعه هنری برداشت و باعث رونق سالن‌های نمایش شد. با این همه کرونا باعث شد این تماشاخانه‌های خصوصی در این مدت، با مشکلات بسیاری مواجه شوند. حیث این اجابت، می‌شود دست و پنجه نرم کنند تا جایی که به گفته اکثر مدیران این تماشاخانه‌ها و البته شاهین چگینی رئیس صنف تماشاخانه‌های خصوصی بسیاری از این تماشاخانه‌ها به مرز ورشکستگی رسیده‌اند. حیث این اجاست، این زحمت ده ساله و این بستر سازی درست با چالشی جدی از این دست مواجه شود و تعطیلی احتمالی این تماشاخانه‌ها، اساس این اتفاق را از بین ببرد.

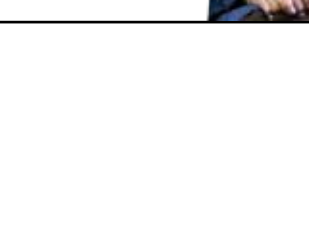
■ **امیدوار به حل مشکل بزرگ**

شاهین چگینی که مدیریت تماشاخانه مشایخی را هم به‌عهده دارد در گفت‌وگو با «ایران» شرحی از گذران روزگار تماشاخانه‌های خصوصی در چندماهه‌ی که کرونا باعث تعطیلی‌شان شد ارائه می‌کند و به این نکته اشاره می‌کند که این مسیر، مسیری بسیار پرخطر و آسیب‌رسان است و ضررهایی که در این حوزه به مراکز نمایشی رسیده چیزی نیست که به سادگی بشود آن را جبران کرد. او می‌گوید: «ما از روزهای اولی که اعلام شد رویدادهای فرهنگی تعطیل هستند پیش‌بینی می‌کردیم که این تعطیلی ادامه‌دار باشد. کمی بعدتر از تمام تماشاخانه‌ها خواستیم که وضعیت ضرر و زیان خود را به‌صورت آماری به ما ارائه بدهند بلکه این آمار و ارقام رساندن آن به دست مدیران ذی‌ربط منجر به دریافت کمک‌هایی برای ادامه حیات تماشاخانه‌ها شد. این اقدام انجام شد و در نهایت از سه

چگینی درباره مبلغ و برآورد این ضرر و زیان‌ها به‌صورت کلی می‌گوید: «مجموع این برآوردها در ۱۶ تماشاخانه خصوصی که زیر نظر صنف هستند، فقط در یک‌ماه (اسفند به‌صورت شاخص) بالغ بر دو میلیارد و پانصد میلیون تومان بود. هنرمندانی که به‌دلیل لغو اجرا هایشان متضرر شدند را هم برآورد کردیم که بر این اساس در این سه‌ماه، حدود سه‌هزار و پانصد هنرمند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از تعطیلی سالن‌ها متضرر شدند.» او نتیجه پیگیری‌های صنف تماشاخانه‌های خصوصی را این‌طور تشریح می‌کند: «ما این اعداد و ارقام را طی نامه و جلسه‌هایی به اطلاع مدیران فرهنگی و مشاوران رئیس جمهوری محترم از جمله دکتر نوبخت و نهادندیان رساندیم و در جلسات مختلف از ریز مسائل حرف زدیم. همچنین در قالب یک طرح پیشنهادی این مسائل را با کمیسیون فرهنگی مجلس دهم ارائه دادیم و همه نمایندگان آن را امضا کردند و برای وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی فرستادند. جلسات حضوری هم با مدیرکل سابق آقای کریمی و هم با مدیرکل فعلی آقای آشنا داشتیم و از مصائب و مشکلات این بخش به‌صورت جزئی‌اتی مطلع کردیم، تا این لحظه کمکی دریافت

■ **سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۹**
■ **سال بیست و ششم**
■ **شماره ۷۳۵۵**

حفظ کنم، چرا من بیکارم!»! تصویر صدیقه کیانفر روی تخت بیمارستان در حالی که با انگشتش مدام بر شقیقه‌اش و ذهنش ضرب می‌زند تا با این ضربه‌هانگ خاطرات ما از او با بگيرد آخرین حضورش مقابل دوربین‌هاست. بازیگری که فعالیت هنری خود را سال ۱۳۳۶ در ۲۵ سالگی با گویندگی و اجرای نمایش در رادیو نفت آبادان آغاز کرد، در سینما علاوه بر «هامون»، در آثار متعددی همچون «آپارت‌مان شماره ۱۱۳»، «ماموریت آقای شادی»، «همسر» و «من زمین را دوست دارم» ایفای نقش کرد و روی صحنه



تعطیلی‌ها و... منفی است نمی‌شود چنین انتظاری داشت. حالا این بدهی سنگین، به بدهی‌های غیرمرتبط با حوزه فرهنگ و هنر کمکی دریافت و به این تماشاخانه‌ها تزریق کنند. مدیر تماشاخانه مشایخی و رئیس صنف تماشاخانه‌های خصوصی از جلسه امروز وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با قادر آشنا مدیرکل هنرهای نمایشی این وزارتخانه خبر می‌دهد و می‌گوید: «آن‌طور که آقای آشنا گفتند امروز با خود وزیر جلسه خواهند داشت و بحث تماشاخانه‌های خصوصی را به‌عنوان سر فصل جلسه مطرح خواهند کرد و ما هم امیدواریم که اتفاق خوبی رقم بخورد.»

■ **ماسفره خانه نیستیم**

تماشاخانه ملک یکی دیگر از تماشاخانه‌هایی است که مثل تماشاخانه ایران تماشا، مستقل، نوفل لوشاتو، مهرگان، شهرزاد، هامون، استاد مشایخی، عمارت رویره، دیوار چهارم، همای سعادت، شانو، سپند، گدا، و آژمان روزگار سختی را سیری می‌کند. سید عماد عامری مقدم، مدیر تماشاخانه ملک در گفت‌وگو با «ایران» آغاز مشکل و مسأله را از جایی می‌داند که طبعاً

برنامه‌های نمایشی تعطیل شدند و این تماشاخانه هم مانند دیگر تماشاخانه‌های خصوصی وارد دوره‌ای سخت شد. عامری مقدم با شرح این اتفاقات و آنچه آنها در این مدت تجربه کردند می‌گوید: «همان‌طور که همه می‌دانند اجرای گروه‌های نمایشی به‌دلیل شرایطی که به‌وجود آمد لغو شد، درآمدزایی از بین رفت و از هیچ نهاد و سازمانی نتوانستیم کمکی بگیریم و روزگاری‌دی را سپری می‌کنیم

■ **سید عماد عامری:**

همه می‌دانند اجرای گروه‌های نمایشی به دلیل شرایطی که به وجود آمد لغو شد، درآمدزایی از بین رفت و از هیچ نهادی و سازمانی نتوانستیم کمکی بگیریم و روزگاری‌دی را سپری می‌کنیم

■ **سید عماد عامری:**

شوند. این میزان متقاضی و هنرمند کجا باید کارهایشان را عرضه کنند؟ بعضی از هنرمندانی که به تماشاخانه‌های خصوصی اعتراض و انتقاد دارند خودشان می‌دانند که پیش از تأسیس این تماشاخانه‌ها برای گرفتن نوبت اجرا باید سه‌هزار سال در صف انتظار می‌ماندند چون ما سالان بسیار کمی داشتیم و رسیدن نوبت به هر متقاضی سال‌ها طول می‌کشید و این تماشاخانه‌های خصوصی بودند که این مشکل را برطرف کردند و باعث رونق هر چه بیشتر تئاتر شدند.» عامری درباره شرایط تماشاخانه‌های خصوصی از جمله تماشاخانه ملک بعد از سپری شدن این دوره و گشایش مجدد هم می‌گوید: «اگر فرض بگیریم که بتوانیم بعد از این روزگار روی پای خودمان بایستیم؛ وقتی اعلام شد وضعیت ایران سفید است و تماشاخانه‌ها بازگشایی شوند حداقل دوسه‌ماه طول می‌کشد تا ما به روند طبیعی برگردیم و بتوانیم کار خودمان را پیش ببریم. باید از اول برنامه‌ریزی کنیم و اجراها را دوباره به لحاظ زمانی سامان بدهیم و این مسأله واقعاً کار ساده‌ای نیست. حالا اگر به این‌ها دغدغه‌های مالی که هم اضافه کنیم و واقعاً همه زمانی که متحمل شدیم و واقعاً نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظار ماست.»

پای خود بایستد و اگر چنین حمایت‌هایی از تئاتر نشود نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که تنها بخش خصوصی این مهم را پیش برد چون آنها این روزها با مشکلات بسیار جدی روبه‌رو هستند که نمی‌دانیم چه آینده‌ای ابرایشان متصور شویم. انتظار من و همکارانم این است که دولت در این زمینه، به شکل جدی از هنرمندان و بسترهای نمایشی در ایران حمایت کند و آنها را در این دوره تنها نگذارد. همکاران من بسیار شرافتمندانه متوجه مسائل و پیشامدهایی که به اجبار ما را خانه‌شکن کرده است هستند و این درک متقابل درون خانواده تئاتر وجود دارد که با هم باید از این درد کلان بگذریم اما مسئولان فرهنگی هم باید به این درک برسند که تئاتر با فاصله اجتماعی پیش نمی‌رود و معنی ندارد. دریافت وام... دردی از ما درمان نمی‌کند بلکه حتی شاید ما را ریز قرض بیشتری برد و مشکلات مان را بیشتر کند. تنها استنباط شخصی من این است که ادامه حیات تئاتر بدون حمایت دولت به‌هیچ عنوان امکان‌پذیر نخواهد بود و مرکز هنرهای نمایشی و متولی کلان آن باید هزینه‌های پروژه‌هایی را که متضرر شدند تأمین کند.

محمدعلی موحد در مراسم گرامیداشت یاد روانشاد نجف دریابندری:

هر چه نوشت، شوقناک بود و بوی زندگی می‌داد

مریم شهبازی خبرنگار

نزدیک به یک ماه از درگذشت نجف دریابندری می‌گذرد، یکی از معدود بازمانده‌های انتشارات فرانکلین که نقش مهمی در ارتقای فرهنگ و ادب و حتی پیشبرد صنعت نشرمان ایفا کردند، نویسنده و مترجمی که او را به همراه دیگر بزرگانی نظیر زنده‌یاد محمد قاضی از جمله افراد اثرگذار بر عرصه ترجمه و حتی فراتر از آن، بر ادبیات معاصر فارسی می‌دانند. مراسم زنده‌یاد دریابندری هم نظیر دیگر مراسم این روزها تحت تأثیر ضرورت رعایت ملزومات پزشکی به شکل آنلاین و با سخنانی از بزرگانی همچون محمدعلی موحد و محمود دولت‌آبادی برگزار شد.

■ **هیچ گاه سرزندگی را گم نکرد**

گرامیداشت نجف دریابندری که پانزدهم اردیبهشت‌ماه سال جاری، در سن ۹۰سالگی با زندگی وداع گفت اواخر هفته گذشته از صفحه اینستاگرام خانه هنرمندان به شکل آنلاین بخش شد و جالب اینکه این روزها همان فضای مجازی که برخی مدت‌هاست کمر همت به از میان بردن آن بسته‌اند بار بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و ادبی را به دوش کشیده است.

سهراب، پسر زنده‌یاد دریابندری با شعری از محمد قاضی برنامه را آغاز کرد و از این گفت که اگر قاضی زنده بود به‌طورقطع نخستین سخنران این مراسم بود؛ آن‌هایی که این دو مترجم کشورمان را می‌شناسند متوجه اهمیت این گفته هستند چراکه امروز عرصه ترجمه‌مان مدیون حضور بزرگانی همچون این دو است. محمدعلی موحد، عرفان پژو، تاریخ‌نگار و حقوقدان از سخنرانان این مراسم بود که با ارسال پیامی تصویری در این گرامیداشت شرکت کرد و گفت: «نجف دریابندری در زندگی‌اش فراز و فرودهایی داشت اما سرزندگی را هیچ‌گاه گم نکرد؛ بلکه با بلوغ بیشتر و با شوخ‌طبعی و سبک‌رویی توأم شد که محضرش را دلپذیرتر و جذاب‌تر می‌کرد و نوشته‌هایش را رونق و جلا می‌بخشید. او هرچه بر دامنه اطلاعاتش می‌افزود، در طنز پرمایه و دلنشین و وقار آمیزش منعکس می‌شد. دریابندری پیر شد اما نوشته‌هایش مادام که قلم به فرمانش بود و می‌نوشت، هرگز بوی پیری نداد. هرچه نوشت، شوقناک بود و بوی زندگی می‌داد. هر جا که بود، ذوق و شادی هم بود.»

حضور محمود دولت‌آبادی هم با ارسال پیامی تصویری همراه شد؛ او نیز گفت: «وجود نجف دریابندری برای جامعه ما در بیش از نیم‌قرن اخیر بسیار لازم و ضروری بود. نجف ما را با بخش



مهمی از ادبیات و اندیشه غرب آشنا کرد. شخصاً قدرشناس زحمات او هستم؛ زحماتی که با صمیمیت و خوشرویی انجام گرفت. او صمیمی کارکرد و عزیز و باعزت زندگی کرد.» سیمین اکرامی هم از دیگر افرادی بود که در این مراسم به توصیف برخی ویژگی‌های فردی و کاری دریابندری پرداخت و طنازی را از مهم‌ترین ویژگی‌هایش خواند. ایرج کلانتری، از چهره‌های شناخته‌شده معماری هم سخنانی درباره دوست درگذشته‌اش گفت؛ او که سال‌ها قبل طراحی خانه دریابندری را انجام داده ترجیح داد که درباره ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی‌اش سخن بگوید. حالا که این بحث به میان آمد شاید بگویید نجف دریابندری در چه خنای‌ای زندگی می‌کرده! مصداقش را بر این بگذارید که خانه‌ای که در آن سال‌های دور هنرمند مطرحی طراحی‌اش را برعهده‌گرفته حتماً خیلی خاص است. اما همان‌طور که کلانتری هم تأکید کرد ساختمان مذکور با صرفه‌جویی اقتصادی و حذف تزئینات آن چنانی بوده، خانه‌ای که درنهایت به‌گونه‌ای ساخته می‌شود که میزبان مردی همچون او و رفت‌وآمد جمعی از بزرگان حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر را بر عهده داشته است. کلانتری تأکید کرد که در زندگی کاری و شخصی‌اش نکات بسیاری از دریابندری آموخته است.

■ **موتور پیشبرنده صنعت نشرمان بود**

حسن کیانیان، مدیر انتشارات چشمه هم درباره دریابندری گفت، از درجه کارهای او در حوزه کتاب. شاید کمتر خواننده کتابی باشد که بداند دریابندری در یک برهه زمانی فعال حوزه انتشارات هم بود؛ کیانیان در همین رابطه گفت: «دریابندری پس از آزادی از زندان در اواخر دهه ۳۰ به استخدام مؤسسه فرانکلین درآمد که مدیریت این انتشارات بر عهده همایون صنعتی‌زاده بود. پس از منوچهر انور سمت سردبیری این انتشارات به دریابندری رسید و حدود ۱۴-۱۵ سال نیز این سمت را برعهده داشت. مؤسسه فرانکلین با توجه به امکاناتی که داشت و مدیریتی که دریابندری در آنجا اعمال کرد، همچون موتور محرکه کوچکی بود که موتور بزرگ صنعت نشر کشور را به حرکت درآورد.»

کیانیان با تأکید بر اینکه مدیریت گسترده او در فرانکلین کمک کرد که نشر ایران را چند قدم جلوتر ببرد، ادامه داد: «ارتباط او حتی پس از خروج از فرانکلین نیز با صنعت نشر قطع نشد. عبدالرحیم جعفری مؤسس انتشارات امیرکبیر در خاطراتش چندین‌بار به مشورت گرفتن از نجف دریابندری اشاره کرده است. هر زمان می‌توانستید روی مشورت با او حساب کنید. او موتور پیش برنده صنعت نشر در کشور ما بود.»

یکی از گفته‌های مشترک سخنرانان این مراسم ازجمله بهرام دبیری، نقاش نوگرای کشورمان درباره دریابندری وجهه روشنفکری‌اش بود و اینکه شیوه زندگی، کار و تفکرش را می‌توان تعریف درستی از روشنفکری دانست؛ مردی به‌دور از پزهای اغلب مدعیان این تعریف که به‌راستی نمونه‌ای درخشان از روشنفکر ایرانی به‌شمار می‌آید. دبیری به نقاشی‌های دریابندری هم اشاره کرد و گفت: «با شاعران و نویسندگان زیادی معاشرت داشتم اما معدودند کسانی که چنین درکی از جهان نقاشی داشته باشند و با آن چنین ارتباطی برقرار کنند. نقاشی دریابندری از آشپزخانه زندان اوین به نظر من یک کار تاریخی است، هرچند او یک نقاش حرفه‌ای نیست. او در نقدی که بر یکی از نمایشگاه‌های من نوشت، زمینه شگفت‌انگیزی برای مخاطب مطلبش فراهم آورد؛ گسترده‌ی نگاه او در همه‌چیز و بخصوص نقاشی برای من ارزش زیادی دارد.»

اونگاه دریابندری به مرگ ر خیام گونه عنوان کرد و از سویی کتاب مستطاب آشپزی‌اش را بر آبروی فرهنگی سرزمین‌مان خواند. ایرج صغیری، نویسنده و هنرمند عرصه نمایش با تأکید بر اینکه در مسیر فعالیت حرفه‌ای‌اش در تئاتر آشنایی با بزرگانی همچون دریابندری تأثیر بسیاری در نشان دادن مسیر به او داشته، گفت: «دریابندری بزرگ ما بود و من همواره از او مشورت می‌گرفتم. او نقد تئاتر را به‌گونه‌ای می‌نوشت که تفاوتش با دیگر نوشته‌ها مشخص بود.»

بعد از قرائت پیام ژاکلین حق‌شناس، احمد ده‌بوری، مترجم ادبیات از تسلط دریابندری بر کار ترجمه گفت و تأکید کرد که او روح و قاموس زبان را به‌درستی می‌شناخت و همین مسأله منجر به آن شد که دست به انتشار ترجمه‌ها و تالیفات درخشان بزند.

اسفندالله امیری، دیگر مترجم کشورمان هم نظیر پوری درباره وجه تمایز آثار دریابندری صحبت کرد و اینکه او یک مترجم مؤلف بود، مردی که به زبان فارسی بسیار مسلط بود و لغت فارسی در دست او مانند موم بود.

اجرای موسیقی زنده به سرپرستی محمدصادق اسحاقی هم بخش بعدی این مراسم بود که پایان آن با بیان خاطراتی از «عبدالرحمان نجل رحیم» پزشک نجف دریابندری و فهیمه اسکاردر مواجهه با نجف دریابندری همراه شد.